

در روایت کرده است این چه وسیع و این جان از آسمان  
زیاده فرمود رسول الله اکاه باشد آیا هست کسی  
دامن بر جنت که بدستیکه جنت نیست مرغ او را از آنکه  
داخل شود کسان برب که جنت نورست و در نشانه  
در میان جنتش میکند و خانه از لولو و نهر وی جا شود فرات  
چند زوجه صاحب حسن جمیل و در مقام در عینک در خانه  
سیله و خاکه و سبزه و حوره و نوره و محاربه عالی صاحب بها  
صاحب عرض کردن یا رسول الله می چیده و دامن نبایستی  
فرمود و صلا الله و کم بگویند ان شاء الله پس صحی بگفت آن  
بر آنکه این همه تکرورست صورت اعمال آنجا که الله تعالی میفرماید  
هل تحزنون الا ما كنتم تعملون میز داده خواهد شد  
که آنچه بودید و در دنیا عمل میکردید آن را همین معنی دارد که  
الذین هم فرغت الاخوة و ما ظنمنا فی است پس از

و نقره است

و نقره است و جوهر است روایت کرده است بخاری  
و مسلم از ابی موسی اشعری که فرمود رسول الله اکاه جنتها  
ظروف آن از نقره و جنتهاست ظروف آن از نقره  
و نیست در میان قوم که نظر کنند بسوی خود مگر چادر  
بر سر او در جنت یعنی کبریا از نظر کردن سوگرب مانع است  
و در نرد دران در نظر است و اما ابواب جنت پس  
بهشت انداخته اند در استی روایت کرده است بخاری  
و مسلم از عیسی بن سعید که بدستیکه رسول الله اکاه فرمود  
جنت ابواب بهشت اندک یک دروازه نامیده شود  
بر بیان نه داخل شود این یک کسایمان و روایت کرده است  
بخاری و مسلم از ابی هریره از رسول الله اکاه که اتفاق  
کردن و فرج و زوجه را زمال در راه خدا خوانده شود از طرف  
تا جنت ظ و جنت را ابواب اند پس یک باشد

در میان جنت ابواب بهشت اند